

## نقش معنویت در تولید قدرت ملی

نویسنده: دکتر یدالله جوانی\*

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۶/۱۶

فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، شماره ۳۹ تابستان ۱۳۸۷

### چکیده

نقش قدرت ملی در تأمین امنیت و تحقق آرمانها و اهداف ملی بر هیچ کس پوشیده نیست. بر همین اساس دولت‌ها در هر کشوری، تلاش می‌کنند قدرت ملی را افزایش داده تا در پرتو آن بتوانند ضمن خنثی کردن تهدیدها، ارزشهای حیاتی خود را حفظ نموده و اهداف منافع ملی را تحقق بخشند. سؤال اصلی این است که معنویت در تولید قدرت ملی چه نقشی دارد و این نقش، اصلی است یا فرعی؟ در این مقاله سعی شده است براساس آیات، روایات و نظریه‌های موجود، ضمن تشریح مقوله‌های معنویت و قدرت ملی، رابطه بین این دو تبیین شود. اگر قدرت ملی یک متغیر وابسته باشد و معنویت به عنوان یک متغیر مستقل، وجود یا عدم آن در هر کشور و در بخشها و مؤلفه‌های اصلی تولید قدرت ملی، چه تأثیری در افزایش یا کاهش قدرت ملی دارد؟ مقاله حاضر به دنبال پاسخ به این سؤالات است. توجه به نقش و رابطه بین معنویت و قدرت ملی، برای کشوری که در معرض تهدیدهای جدی قدرتهای استکباری و سلطه‌گر قرار دارد، از اهمیت بسیار بالایی برای امور سیاستگذاری، تعیین راهبردها و برنامه‌ریزی‌ها برخوردار است. تبیین این موضوع کمک می‌کند تا مسئولان جمهوری اسلامی ایران در سطوح مختلف برای افزایش قدرت ملی، بر روی عناصر اصلی تولید قدرت ملی تمرکز بیشتری پیدا کنند.

### واژگان کلیدی:

معنویت، قدرت، قدرت ملی، امنیت، ایمان، روحیه، مقاومت، ایثار، شهادت.

\*. دکترای مدیریت علوم استراتژیک

## مقدمه

در همه مکاتب آسمانی و زمینی بر موضوع امنیت و تقویت بنیه‌های دفاعی و آمادگی‌های فردی و جمعی برای مقابله با تهدیدها و تجاوزات دشمنان تأکید شده است. هرچند مبانی، اصول و اهداف در هریک از مکاتب متفاوت است، اما در اصل ضرورت و تأمین امنیت و قدرتمند بودن برای بقا و ادامه حیات و غلبه بر دشمن اشتراک نظر وجود دارد. در اسلام بر روی این موضوع تا آنجا تأکید شده که خداوند در قرآن کریم خطاب به مسلمانان می‌فرماید: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» (انفال، آیه ۶۰) قرآن کریم ماهیت جنگ مؤمنان و کفار را که در واقع جنگ بین حق و باطل است، این گونه بیان می‌فرماید: «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (نساء، آیه ۷۶)

جنگ و نزاع مستمر بین انسانها و جوامع انسانی، موجب شده است مکاتب زمینی و فیلسوفان و نظریه پردازان سیاسی نیز بر روی اصل قدرت و ضرورت تولید آن تمرکز پیدا کرده، در این راستا نظریه پردازی کنند. با اصالت یافتن قدرت در عرصه سیاست - تا جایی که برخی از اندیشمندان، قدرت را موضوع اصلی سیاست دانسته‌اند - این سؤالات در اذهان صاحب نظرات شکل گرفت که قدرت چیست و عناصر اصلی آن کدام است؟ قدرت دارای چه ماهیت و ابعادی بوده و مؤلفه‌های آن کدام است؟ عوامل اصلی تولید قدرت و به ویژه قدرت ملی چیست؟ در این میان یک سؤال اصلی و کلیدی مطرح است و آن اینکه، عامل اصلی تولید قدرت در جبهه حق کدام است؟ اگر در تولید قدرت و به ویژه قدرت ملی به عنوان یک متغیر وابسته، عوامل و عناصر متعددی ایفای نقش می‌کنند، عامل اصلی تولید قدرت از نظر اسلام، قرآن و دیدگاه بزرگان دین کدام است؟ به عبارت دیگر؛ از منظر اسلام، عنصر اصلی مولد قدرت کدام است و از نظر دین، مسلمانان در مصاف با دشمنان از کدام مزیت برتری بخش برخوردار هستند که در صورت توجه به آن و بهره‌گیری از آن، بر دشمنان خود غلبه خواهند کرد؟ فرضیه اصلی این مقاله این است که «معنویت» در کشور اسلامی ایران می‌تواند نقش اصلی و اساسی را در «تولید قدرت ملی» ایفا نماید. برای اثبات این نظریه، از یک سو تبیین دقیق «معنویت»

از نظر مفهومی براساس قرآن و روایات و از سوی دیگر، تبیین دقیق «قدرت» و «قدرت ملی» از نظر مفهومی براساس قرآن، روایات و نظریه‌های قدرت کفایت می‌کند.

### معنویت؛ تعاریف، ویژگی‌ها و آثار

در مورد معنویت از نظر مفهومی، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. در طول تاریخ همواره موضوع معنویت مطرح بوده و نحله‌های فکری مختلف، هر کدام برداشتی از این موضوع داشته و براساس نگرش خود به دنبال کسب معنویت و به کار بردن آن در زندگی فردی و اجتماعی خویش بوده‌اند.

### تعریف معنویت

«معنویت از نظر لغوی، از واژه معنوی گرفته شده و این واژه، منسوب به معنی بوده و آنچه راجع به باطن شخص و روح او باشد را شامل می‌شود. مقامات، درجات عالم باطن، شخصی که در عالم معنی و باطن سیر کند، از دیگر معانی معنویت است» (معنویت، ۱۳۸۶، ص ۱۷)

برای رسیدن به تعریف اصطلاحی معنویت، باید بحث‌های مربوط به دنیا و آخرت، ماده و معنا و دو بعد مادی و روحانی انسان را مورد توجه قرار داد. این نوع مباحث، بسیار مهم و اساسی بوده و قدمتی به بلندای تاریخ بشر دارند. در تاریخ بشر، دو نوع دعوت و حرکت متضاد و مبنایی برای انسان مشاهده می‌شود؛ نخست دعوت و حرکت انبیای الهی که با تکیه بر وحی و پیام آسمانی تلاش کرده‌اند انسانها را به سوی حق فراخوانند و آنها را متوجه آخرت، و بعد روحانی و ماندگار انسان بنمایند و دیگری، دعوت طواغیت و فراعنه که در نقطه مقابل دعوت انبیای الهی، انسانها را به سوی ماده گرایی و دنیاگرایی فراخوانده تا بهتر بتوانند در پرتو این حرکت جمعیت‌های انسانی، به مطامع و اهداف دنیایی خود برسند.

بنابراین، فهم معنویت به لحاظ اصطلاحی، در گرو فهم دنیا و آخرت است. «دنیا مؤنث ادنی و این واژه از دنی یا دنو، به ترتیب به معنی پست‌تر و نزدیک‌تر گرفته شده است. زندگی دنیا را دنیایی می‌گوییم، یا از این جهت که نسبت به زندگی آخرت

پست تر و ناچیزتر است یا از این حیث که این زندگی از زندگی آخرت به مانزدیک تر است». (قاموس قرآن، ج ۲، ص ۳۶۲)

اما آخرت بر اساس نگرش الهی و توحیدی، به عنوان عاقبت ماندگار و ابدی شناخته می شود. در قاموس قرآن آخرت این گونه تعریف شده است: «آخر مقابل اول است... تأخیر مقابل تقدیم و آخرون مقابل اولون است... در قرآن مجید به قیامت و نشاء دیگر، دارالآخره، یوم الاخر اطلاق شده و این از آن رو است که زندگی دنیا اول و زندگی عقبی، آخر است». (همان، ج ۱، ص ۳۵)

### معنویت از نظر حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت امام خمینی (ره) معنویت را چنین تعریف و تشریح فرموده اند:

«معنویت، مجموعه صفات و اعمالی است که حال و شور و جاذبه قوی و شدید و در عین حال منطقی و صحیح را در انسان به وجود می آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم، به طور اعجاب آوری پیش ببرد. این حالت درونی به واسطه زمینه سازی های مختلف در انسان پدید می آید و بسته به شدت و ضعف آن، سرعت و میزان قرب الی الله تحقق می یابد.

وجه غالب اساسی در معنویت، توجه به خدا و انجام عمل برای اوست. هم در نیت و هم در عمل، خدا را حاضر و ناظر دانستن، معنویت است. اصولاً وقتی انسان می تواند کارهای عادی اش را به صورت معنوی انجام دهد، چرا این گونه عمل نکند؟ یعنی چرا در تمام کارها خدا را حاضر و ناظر قرار ندهد؟ (امام خمینی، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ص ۸) در دیدگاه امام (ره)، معنویت یعنی آن حالت درونی و روحانی و باطنی انسان که هر کاری را با قصد قرب الهی و کسب رضایت خداوند انجام می دهد. همین نگرش در مورد معنویت، به صراحت در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز آمده است. (حضرت امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۶۹، ج ۱۶، ص ۸)

معظم له در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۲ معنویت، دنیاگرایی و آخرت گرایی را اینگونه تشریح می فرمایند:

«آنچه فاصله عمیق بین نگاه مادی و نگاه الهی و معنوی را به وجود آورده است، وابستگی و تعلق خاطر انسانها و جوامع به دو امر متضاد است. وابستگی و تعلق به لذتها و نعمتها و امکانات دنیوی و غفلت از آخرت و محاسبه الهی، راه را برای استعمار، استثمار و استکبار و سد کردن راه خدا و بندگی او، باز می کند و این امر ریشه و اساس تمام تئوری ها و نظریه ها و آرای زورمداران و زرسالاران و زمینه سازان سلطه آنها بر دنیاست. نگاه الهی و معنوی، این امر را برنمی تابد و با وسیله دانستن لذتها و نعمتها و امکانات دنیوی، اعتقاد خود را به اطاعت خداوند و تلاش برای کسب رضایت او نشان داده و اساس حرکت و نیت انسانها و جوامع بشری را آرمان گرایی معنوی می داند. (خامنه ای، ۱۳۸۲/۷/۲)

#### پایه های معنویت

اگر خدا محوری، خداپرستی و حرکت به سوی قرب الهی و کسب رضایت حضرت حق را در همه حالات، معادل معنویت بدانیم، این معنویت بر دو پایه اصلی استوار است. در واقع؛ تحقق و ایجاد معنویت؛ یعنی همان مجموعه صفات درونی و اعمال بیرونی با سمت و سوی الهی، معلول دو علت است: یکی معرفت و دیگری ایمان. معرفت؛ یعنی کسب شناخت عمیق، وسیع و صحیح نسبت به خالق و مخلوقات و معارف دینی برای تشخیص صراط مستقیم و راه اصلی از بی راهه ها و کژراهه ها. این معرفت و آگاهی و شناخت، درست است و به انسان کمک می کند تا حق را از باطل تشخیص دهد و راه عبودیت خدا را از راه بندگی شیطان و غیر خدا تمیز دهد. اما ایمان، باور این آگاهی و معرفت به قلب و در نهایت، انجام عمل براساس همین باور قلبی است.

اوج معنویت، همان اوج ایمان و مراتب عالیة ایمان است. حقیقت ایمان نیز همان نکته ای است که حضرت امام خمینی (ره) بر آن تأکید دارد که باید در همه احوال، انسان خدا را حاضر و ناظر ببیند و برای کسب رضایت او و قرب به او تلاش کند. حضرت امام صادق (ع)، حقیقت ایمان را ترجیح حق بر باطل دانسته و می فرماید:

«ان من حقیقة الایمان ان تؤثر الحق و ان ضرك على الباطل و ان نفعك» (مجلسی، ۱۳۵۹، ج ۷، ص ۱۰۶)؛ از حقیقت ایمان، آن است که حق را بر باطل ترجیح داده و برگزینی، اگر چه حق به زیان تو و باطل به نفع تو باشد.

انسان مسلمان و مؤمن، این حق طلبی، حق گزینی و حرکت بر مدار حق و اجتناب از مسیر باطل را هر چند در ظاهر به ضرر او باشد، از این حیث انتخاب می کند که بر اساس معرفت دینی، نفع واقعی و درازمدت خود را در آن می بیند.

حضرت امام باقر (ع) در حدیث شریفی فرمودند که خداوند می فرماید: به عزت و جلال و شرف و بلندی مقام سوگند که هیچ بنده مؤمنی خواست مرا بر خواست خود، در یکی از امور دنیا ترجیح ندهد و برگزیند، جز آن که بی نیازی را در وجودش قرار دهد. همتش را متوجه آخرت سازم، آسمانها و زمین را عهده دار روزی اش گردانم و خودم برایش، پشت سر تجارت هر تجارت او هستم. (وسائل الشیعه، ۱۳۶۰، ج ۱۱، ص ۲۲۱)

### ویژگی‌ها و آثار معنویت

از نظر قرآن و روایات، کسانی که از معنویت بالا برخوردار و اهل معنا و سیرو سلوک روحانی باشند، اهل ایمان بوده و به درجه بالای تقوای الهی رسیده و جزء متقین هستند. متقین همان کسانی هستند که قرآن هدایت گر آنها بوده (ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین / بقره، آیه ۲) و در پرتو همین هدایت، به فلاح و رستگاری می رسند. معنویت، ایمان و تقوا مراتبی دارد و هر چه انسان در مرتبه بالاتر از ایمان، تقوا و معنویت قرار گیرد، به خداوند نزدیک تر می شود. در قرآن کریم و روایات، ویژگی های اهل ایمان و اهل تقوا به صورت گوناگون ذکر شده است. خطبه همام معروف به خطبه متقین در نهج البلاغه، تمام ویژگی های یک انسان با ایمان و اهل تقوا را در عالی ترین مرتبه، یکجا بیان می دارد. حضرت امام علی (ع) در این خطبه، در برابر اصرارهای فردی به نام همام که از یاران آن حضرت بود و از امام درخواست وصف متقین را کرده بود، زبان به توصیف اهل تقوا کرد و از ویژگی های آنان را برشمرد. درستی در گفتار، اعتدال و میانه روی، تواضع،

دوری از حرامهای الهی، شنیدن حرفهای مفید، تحمل سختی‌ها، بزرگ شمردن خداوند، یقین داشتن به بهشت و جهنم صبور بودن، اهل عبادت و تلاوت قرآن بودن و استقامت داشتن در دین از مهم‌ترین ویژگی‌های یک انسان با معنویت است.

## قدرت، قدرت ملی، تعاریف، عوامل و عناصر

### تعریف قدرت (Power)

علمای سیاسی سنت‌گرا، قدرت را در مفهوم عام آن، هم به‌عنوان غایت و هم وسیله سیاست تلقی کرده‌اند. ماکس وبر (Max Weber) و هانس مورگنتا (Hans J. Morgenthau) از این دسته علمای سنتی هستند. مورگنتا پایه‌گذار مکتب اصالت قدرت و رئالیسم در روابط بین‌الملل است. در این دیدگاه، قدرت صرفاً به میزان اقتدار و توانایی یک طرف در به اطاعت و داشتن طرف دیگر است و تمام حیات جامعه در فعل و انفعالات قدرت در زمینه‌ها و درجات مختلف خلاصه می‌گردد (کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۱۶۴). این نوع تعریف از قدرت را افرادی مثل رابرت داهل (Robert Dahl) بسیار مورد استفاده قرار داده‌اند. تعریف داهل از قدرت، توانایی A در وادار کردن B به انجام عملی است که اگر این وادار کردن وجود نمی‌داشت، به آن مبادرت نمی‌ورزید. (سنجش قدرت در عصر فراصنعتی، ص ۲۷)

بنابراین، از نظر علمای سنت‌گرای علم سیاست، واژه قدرت، مبین یک رابطه انسانی در مقیاس خرد یا کلان است؛ یعنی وقتی می‌گوییم قدرت عبارت است از استعداد و قابلیت انجام کاری و در رابطه با افراد یا گروهها عبارت است از تحمیل اراده و تسلط یکی بر دیگری، ما از نوعی رابطه انسانی صحبت می‌کنیم یا به ظرفیت و عمل بالقوه انجام کاری اشاره می‌نماییم.

باتوجه به برخی از محدودیتها در تعریف سنتی قدرت، در مجموع می‌توان دیدگاههای جدید مطرح شده مربوط به قدرت را به دو بخش عمده تقسیم کرد. (فصلنامه دانش انتظامی، ص ۲۸-۲۹)

## الف) دیدگاه مبتنی بر سنجش قدرت

طرفداران این دیدگاه خود دو دسته‌اند: عده‌ای به «کمیت‌پذیری» قدرت معتقدند و عده‌ای به رابطه‌ای بودن قدرت اعتقاد دارند. کسانی که به قدرت به عنوان پدیده‌ای «کمیت‌پذیر» می‌نگرند، قدرت را به‌عنوان ظرفیت به کنترل درآوردن توده‌ای مقاوم در فاصله‌ای معین و در زمانی مشخص تعریف می‌کنند. در کنه دیدگاه کمیت‌نگرها، امکانات مادی یا منابع مادی قدرت دارای ارزش بیشتری است. اصلاً کمیت‌نگرها، بیشتر به منابع قدرت به‌عنوان «تجلی قدرت» توجه دارند تا به بازتاب قدرت در اجتماع. به همین جهت است که برتراند راسل (Bertrand Russell) قدرت را «پدیدآوردن آثار مطلوب» و آر.اچ. تونی (R.H. Toenni) قدرت را «توانایی فرد یا گروه» می‌داند و افرادی چون رابرت دال (Robert Dall) سعی در فرمولیزه کردن قدرت دارند.

اما کسانی که به رابطه‌ای بودن قدرت اعتقاد دارند، به منابع قدرت تأکید چندانی ندارند. در نظر آنها بیشتر استفاده‌ای که از این منابع جهت تحت کنترل درآوردن دیگران به عمل می‌آید، مهم است. به عبارت دیگر؛ برای گروه نخست، ملزومات قدرت اهمیت دارد و برای گروه دوم، مکانیسم اجرایی قدرت دارای اهمیت است. مورگنتا و ماکس وبر دارای چنین دیدگاهی هستند.

## ب) دیدگاه مبتنی بر ساختار قدرت

در این دیدگاه به ساختار و عملکرد قدرت توجه می‌شود. طرفداران این دیدگاه نیز دو گروه هستند؛ عده‌ای به ابزارگرایی و عده‌ای دیگر به کارکردگرایی قدرت اعتقاد دارند. ابزارگرایان بیشتر به ابزار و شیوه‌های استفاده از آنها در کنترل دیگران نظر دارند. بهترین نمونه ابزارگرایی در قدرت را می‌توان در گفته‌ی مائوتسه‌تونگ (Mao Tse tung)، رهبر انقلاب چین جستجو کرد که می‌گوید: «قدرت از لوله تفنگ می‌آید». اما کارکردگرایان با کسانی که به رابطه‌ای بودن قدرت توجه دارند، وحدت نظر بیشتری دارند، تفاوت بین آنها در این است که ارتباط‌گرایان تنها با تأثیرات یک سویه قدرت از فرادست به



فرو دست نظر دارند و با دیدی مکانیکی و یک‌بعدی تنها تأثیر قدرت را بر کسانی که قدرت بر آنها اعمال شده مورد توجه قرار می‌دهند، اما کارکردگراها به تأثیرات همه جانبه اعمال قدرت بر کل جامعه و تأثیر متقابل دارنده قدرت و پذیرنده قدرت توجه دارند. از صاحب‌نظرانی که به کارکردگرایی قدرت اعتقاد دارند می‌توان تالکوت پارسونز (Parsonese) را نام برد.

### قدرت از دیدگاه اسلام

اسلام و دیگر ادیان توحیدی، نگاهی خاص به قدرت دارند. از دیدگاه اسلام و علمای دین، منشأ قدرت خداوند تبارک و تعالی است. خداوند در قرآن کریم خود را قدرت مطلق و قادر به انجام هر کار معرفی می‌کند: «والله علی کل شیء قدير» (آل عمران، آیه ۱۸۹)؛ یعنی خداوند بر همه چیز تواناست.

آیات مشابه فراوانی در قرآن همین منظور را می‌رسانند. در تفکر اسلامی در عرصه سیاست، قدرت در دولت اسلامی امانت الهی است و حاکم یا رئیس دولت اسلامی، خلیفه خداوند و جانشین پیامبر اکرم (ص) است و او وارث این امانت می‌باشد.

### قدرت ملی

وقتی واژه قدرت با صفت ملی آورده شود، مفهوم مشخص تری را بیان می‌دارد. قدرت ملی به مجموعه‌ای از توانایی‌های مادی و معنوی گفته می‌شود که در قلمرو یک واحد جغرافیایی و سیاسی به نام کشور یا دولت وجود دارد. (کازمی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۰) در تعریف دیگری از قدرت ملی، به‌طور ساده آمده است: «قدرت ملی عبارت است از ظرفیت یک کشور در پیگیری اهداف کاربردی با اقدامات عمده» (سنجش قدرت در عصر فراصنعتی، ۱۳۸۳، ص ۵۵)

### عناصر قدرت ملی

در مورد عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. البته با وجود دیدگاه‌های متفاوت، اشتراکات برشمرده شده از سوی اندیشمندان علوم سیاسی در

خصوص عناصر قدرت، بسیار فراوان است. در جدول ذیل، نظر چند نفر از اندیشمندان نظریه پرداز در مورد قدرت ملی آمده است:

نام اندیشمند سیاسی	عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی
اسپایک من، جغرافیدان آمریکایی	۱. مساحت کشور؛ ۲. طبیعت مرزها؛ ۳. جمعیت؛ ۴. وجود یا فقدان مواد اولیه؛ ۵. توسعه اقتصادی و صنعتی؛ ۶. قدرت مالی؛ ۷. تجانس نژادی؛ ۸. میزان انسجام اجتماعی؛ ۹. ثبات سیاسی؛ ۱۰. اخلاق ملی.
مورگنتا	۱. موقعیت جغرافیایی؛ ۲. وجود منابع طبیعی؛ ۳. ظرفیت صنعتی؛ ۴. وضعیت آمادگی نظامی؛ ۵. جمعیت؛ ۶. خصوصیات ملی؛ ۷. روحیه ملی؛ ۸. کیفیت دیپلماسی.
رودولف اشتاین متز آلمانی	۱. جمعیت؛ ۲. وسعت سرزمین؛ ۳. ثروت؛ ۴. تاسیسات سیاسی؛ ۵. کیفیت فرماندهی؛ ۶. وحدت ملی و همبستگی؛ ۷. حفظ حرمت و دوستی قدرتهای خارجی؛ ۸. کیفیت اخلاقی.

جدول شماره ۱: عناصر تشکیل دهنده قدرت ملی

از مقایسه نظرات این سه نفر به خوبی مشاهده می شود که عناصر قدرت در موارد، بسیاری مشترک است و با واژگان مختلف بیان شده است. بدیهی است هر کدام از این عناصر، نقش خاصی در تولید قدرت ملی داشته و از وزن خاصی برخوردارند. این عناصر به دلیل ماهیت و نوع تأثیرگذاری بر قدرت ملی یا تولید آن قابل دسته بندی هستند. حال سؤال اصلی آن است که کدام یک از این عناصر در تولید قدرت ملی نقش اساسی و بیشتری دارند؟

### اهمیت قدرت ملی

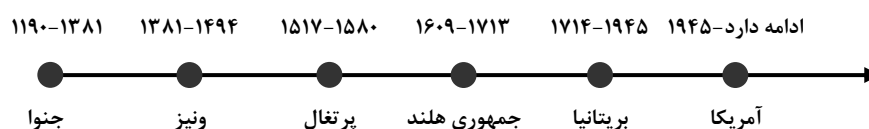
بقای دولتهای ملی و هر نوع واحد سیاسی مستقل در دنیای متلاطم و پر از تهدید کنونی، در گرو برخورداری آن کشور از قدرت ملی است. قدرت ملی، کشورها را در برابر تهدیدهای خارجی حفظ می کند و ملتها بر اساس این توانمندی خود، اهداف ملی را تحقق بخشیده و امنیت ملی خود را تأمین می کنند. اهمیت و ارزش قدرت ملی را با توجه به محصول و به عبارتی با توجه به معلول آن باید دید.

## تولید قدرت ملی و سنجش آن

با توجه به اهمیت قدرت ملی از یک سو و نقش عناصر مختلف در تولید قدرت ملی با وزنهای مختلف از دیگر سو، باید دولتها در هر کشوری نسبت به تولید قدرت ملی و سنجش آن برای تعیین اهداف و سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جهت تحقق آن اهداف و همچنین دست زدن به مقاومت در برابر فشارهای خارجی یا ورود به ائتلافهای منطقه‌ای و بین‌المللی یا خارج شدن از ائتلافها یا پیمانها، اقدام کنند.

برای تولید قدرت ملی، هر کشوری از ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد خود از حیث عوامل و عناصر تشکیل دهنده قدرت برخوردار است. اهمیت شناخت این عوامل و عناصر منطبق با واقعیات در هر کشور و برنامه‌ریزی برای بهره‌گیری از حداکثر ظرفیتهای هر عامل برای تولید قدرت ملی، سبب شده تا دولتها مراکز مطالعاتی و نهادهای استراتژیک برای این موضوع ایجاد و در این راستا سرمایه‌گذاری کنند. از ویژگی‌های قدرت، نسبی بودن آن است. می‌گوییم قدرت کشور A نسبت به قدرت کشور B بیشتر و کشور B نسبت به کشور C قوی‌تر و قدرتمندتر است. از کشوری با عنوان ابرقدرت یا از کشورهایی با عنوان قدرت درجه ۱ یا درجه ۲ یا درجه ۳ یاد می‌شود.

یک کشور در یک دوره‌ای ضعیف است و در دوره‌ای دیگر قوی می‌گردد. قدرتها ظهور می‌کنند و پس از آن با افول مواجه می‌شوند. به عبارت دیگر؛ یک کشور برای همیشه قدرتمند نیست و کشور دیگری برای همیشه ضعیف نمی‌باشد. به عنوان مثال، کشورهای دارای کنترل هژمونیک در طول چند قرن گذشته بسیار تغییر کرده و جابه‌جا شدند. نمودار ذیل، این کشورها و دوره‌های آن را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۲: ظهور و افول قدرتها

از نمودار بالا به خوبی دریافت خواهد شد که زمانی دیگر، آمریکای با قدرت هژمونیک، به تاریخ پیوسته و کشور یا کشورهای دیگری جایگزین آن خواهند شد. بنابراین، ما در مقوله قدرت ملی، تولید آن و همچنین سنجش قدرت ملی با موضوع پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم. این پیچیدگی به گونه‌ای است که می‌توان از آن به عنوان معمای قدرت یاد کرد. بنابراین، در بحث تولید قدرت ملی و سنجش آن باید به این سوال پاسخ داد که: عوامل اصلی تولید قدرت ملی کدامند؟

به عبارتی، اگر از دهها عامل یا عنصر به عنوان عناصر تولید قدرت ملی یاد می‌شود، کدام یک نقش اصلی را دارند؟ سنگ بنای این قدرت کدام عنصر است؟ وجود کدام عامل یا عواملی کشوری را قدرتمند می‌کند و نبود آن، کشور را ضعیف می‌سازد؟ برای تولید قدرت ملی و سنجش آن در عصر کنونی، با همه تغییر و تحولات پرشتاب آن، باید به سؤالات فوق پاسخ داد.

### رویکردهای سه گانه به قدرت

برای فهم دقیق قدرت، برخی از نظریه پردازان قدرت در عصر حاضر مانند ریموند بودون (Reymond Boudon) و فرانسوا بوریاکو (Francois Bouricaud) می‌گویند باید قدرت را با سه رویکرد مورد توجه قرار داد. به عبارتی؛ در درک و فهم قدرت سه منظور مدنظر است (همان، ص ۲۶)

الف) «تخصیص منابع» از هر نوع که باشد؛

ب) «توان استفاده از منابع»؛

ج) «نتایج حاصله» از به کار بردن قدرت.

در واقع؛ در این رویکرد سه گانه به قدرت، صاحب نظران این عرصه، قدرت را با «منابع»، «راهکارها» و «نتایج» تشریح می‌کنند. قدرت وقتی به عنوان «منبع» درک شود، اساساً مجموعه توانمندی‌های هر موجودیت برای نفوذ در دیگران مد نظر قرار می‌گیرد. منابعی چون: منابع طبیعی، جمعیت، نیروهای مسلح، تجهیزات، محصول ناخالص ملی و....

برخی از کارشناسان با این رویکرد و با اندازه‌گیری منابع و مقایسه آن در بین کشورها، کشورها را از نظر قدرت درجه‌بندی می‌کنند. ولی این سؤال وجود دارد که در هر مقطعی و در هر کشوری، کدام یک از این منابع، مناسب است تا مبنای واقعی قدرت ملی آن کشور باشد؟

در منظور دوم از این رویکرد به قدرت، به جای تأکید بر توانمندی‌ها به مفهوم مشهود و غیر مشهود، قدرت نوعی راهکار دانسته می‌شود؛ یعنی «تلاش موجودیتها برای استفاده از فرایندها، روابط و وضعیتها به منظور تأثیرگذاری بر دیگران». به این ترتیب، در این رویکرد به جای تأکید بر «اشیا» (Objects) که مشخص‌کننده مفهوم قدرت به عنوان منابع است، به «متن» (Context) توجه می‌شود. توجه به متن؛ یعنی توجه به ساختار روابط و اشکال معین کنش و واکنش بین موجودیتها، زیرا این کنشها و واکنشها به وجود آورنده نتایج هستند که در نهایت موازنه واقعی قوا یا دامنه قدرت را مشخص می‌کنند. تأکید بر متن از آنجا ناشی می‌شود که به طور کلی پذیرفته شده که «توانمندی‌ها» به عنوان منابع حداقل در عرصه سیاست، همان مفهومی را ندارند که مثلاً پول در حیطه اقتصاد دارد. اگر این نظریه درست باشد، ردیف کردن کشورها و درجه‌بندی آنها بر اساس منابع نمی‌تواند نشان‌دهنده قدرت واقعی کشورها باشد.

در سومین منظور از این رویکرد، به نتایج توجه می‌شود. در واقع؛ به این مسئله توجه می‌شود که آیا صاحب قدرت توانسته است با کنشها و واکنشهای مناسب، کشور مورد نظر را به عمل کردن به نحو مطلوب در راستای منافع خود وادار نماید یا نه. این رویکرد، همان است که می‌گوییم قدرت عبارت است از توانایی A در وادار کردن B به انجام عملی که اگر این وادار کردن وجود نمی‌داشت، به آن عمل مبادرت نمی‌ورزید. (همان، ص ۲۷)

## انواع قدرت

قدرت انواعی دارد که برای تولید قدرت ملی و سنجش آن، باید مورد توجه قرار گیرند.

### الف) قدرت سیاسی

متفکران سیاسی غرب معتقدند قدرت سیاسی، توانایی نهایی کنترل رفتار و اعمال دیگران است. عوامل متعددی در فرایند پیچیده قدرت سیاسی مؤثرند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ثبات سیاسی، شکل حکومت، کیفیت رهبری، مشارکت سیاسی مردم و ساختار قدرت.

### ب) قدرت اقتصادی

قدرت اقتصادی، یعنی توانایی تولید محصولات مورد نیاز، توزیع و مصرف مناسب ثروتهای مادی در محیط ملی و امکان حضور و رقابت اقتصادی در صحنه بین‌المللی. شاخصهای سنجش قدرت اقتصادی عبارتند از: تولید ناخالص ملی، رشد سالیانه اقتصادی، کیفیت جمعیت و نیروی انسانی، منابع کافی، میزان سهم از تجارت و سرمایه‌گذاری جهانی، مالیاتها و تعرفه‌ها و نحوه تولید (تک محصولی یا چند محصولی).

### ج) قدرت علمی و فن آوری

قدرت علمی، توانایی تولید دانش، تربیت منابع انسانی ماهر و فن آوری برای تحقق اهداف مربوطه است. شاخصهای سنجش قدرت علمی و فن آوری عبارتند از: تولید دانش، ثبت مقالات در نشریات معتبر بین‌المللی، تربیت نیروی انسانی ماهر در حوزه‌های نوین علمی و فن آوری همانند نانو تکنولوژی، بیوتکنولوژی، هوا فضا و....

### د) قدرت فرهنگی

قدرت فرهنگی عبارت است از توان استفاده از ایدئولوژی، عقاید، الگوهای رفتاری، هنر، سنتها و... برای پیشبرد و تحقق اهداف و تأثیرگذاری بر دیگر فرهنگها و مقابله با تهاجم فرهنگی.

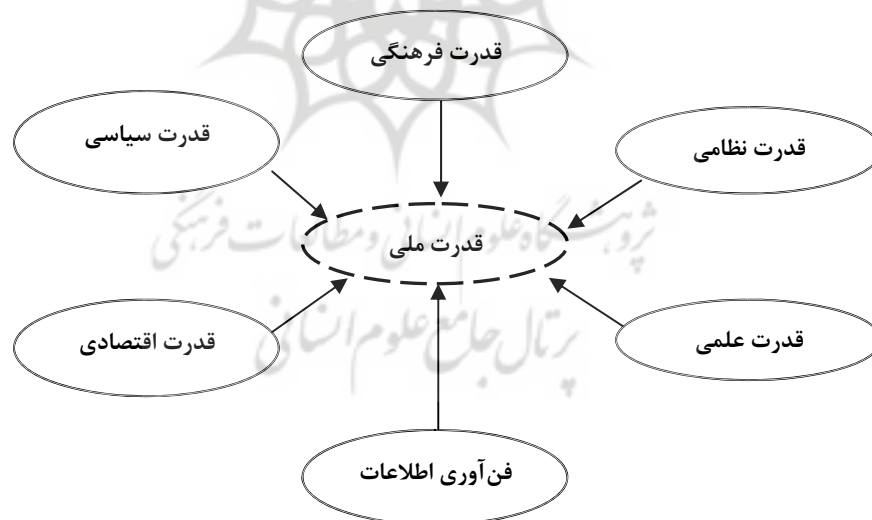
### ه) قدرت نظامی

عبارت است از تمامی نیروهای مسلح یک کشور که همراه با سایر قدرتهای موجود در یک واحد سیاسی مانند قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت فرهنگی و... جهت پیشبرد سیاست ملی به کار می‌روند. نیروهای مسلح، از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت نظامی هستند و شامل نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و پلیسی و شبه نظامیان می‌باشند.

### و) قدرت ملی

با توجه به آنچه در مورد انواع قدرت اشاره شد، می‌توان قدرت ملی را این گونه تعریف کرد:

«قدرت ملی ظرفیت یک کشور در دستیابی به منافع ملی یا به عبارت دیگر؛ مجموعه نیروهای مادی و معنوی یک ملت است، که برآیند و ماحصل انواع قدرت می‌باشد». شکل ذیل، مؤلفه‌های قدرت ملی را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۳: مؤلفه‌های قدرت ملی

### قدرت نظامی، نماینده قدرت ملی

معمولاً قدرت کشورها در جنگ محک می‌خورد. در هنگام جنگ، این قدرت نظامی کشور است که به کمک دیگر انواع قدرت در آن کشور، (سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی) از منافع ملی دفاع و امنیت ملی را تأمین می‌کند. بر همین اساس، دولتها همواره سعی می‌کنند قدرت نظامی خود را تقویت کنند. اما نکته قابل توجه این است که با مقایسه توان نظامی کشورها نیز نمی‌توان برتری یک کشور را نسبت به کشور دیگر مشخص کرد. در یک مطالعه تاریخی انجام شده درباره توانمندی‌های نظامی کشورهای وارد شده در جنگ، مشخص شد که حریفان قوی‌تر از نظر نظامی، در کمتر از نصف موارد، پیروز از جنگ بیرون آمده‌اند؛ در حالی که طرفهای ضعیف‌تر از نظر نظامی، تقریباً در دو سوم نبردهایی که کرده‌اند، پیروز شده‌اند. (همان، ص ۲۹)

این رهیافت‌های تاریخی بر اساس مطالعات انجام شده، موضوع قدرت را به یک موضوع واقعاً پیچیده و گیج‌کننده تبدیل کرده است. به عنوان مثال در جنگ‌های فرانسوی‌ها با الجزایری‌ها، آمریکایی‌ها با ویتنامی‌ها، شوروی‌ها با افغان‌ها و صهیونیست‌ها با حزب الله لبنان، کشورهای به ظاهر توانمند، مغلوب در جنگ کشورهای به ظاهر ضعیف شده‌اند.

### نقش منابع فکری و نظام ارزشی در تولید قدرت ملی

در روش‌های نوین سنجش قدرت ملی، سه قلمرو مورد توجه جدی قرار می‌گیرد: الف) قلمرو منابع ملی؛ شامل منابع فیزیکی، منابع مالی و سرمایه‌ای، منابع انسانی، مؤسسات و فن‌آوری، این منابع مشهود و قابل لمس است. ب) قلمرو عملکرد ملی؛ یعنی ساز و کارهای استفاده از منابع و تبدیل آن به قدرت قابل استفاده.

ج) ظرفیت نظامی؛ شامل توانمندی‌های نظامی از قبیل تجهیزات و... اگر در هنگام جنگ و مصاف بین دو کشور، کشور به ظاهر ضعیف‌تر موفق شد بر کشور به ظاهر توانمند از حیث برخورداری از منابع قدرت و توانمندی‌های نظامی غلبه کند، رمز و راز آن را باید در حوزه و قلمرو «عملکرد ملی» جستجو کرد.



در حوزه عملکرد ملی باید مسائل ذیل را مد نظر قرار داد:

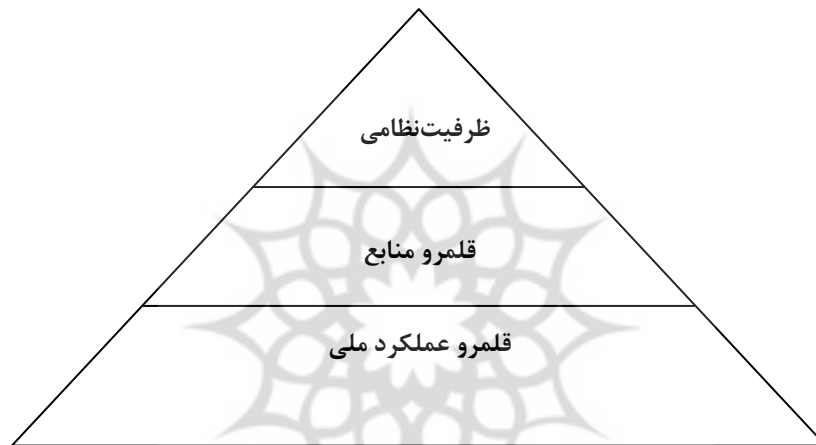
۱. ظرفیت سیاسی کشور در بهره‌برداری از منابع موجود و برقراری رابطه بین منابع و اهداف کلان؛
۲. مشروعیت نظام سیاسی برای بسیج منابع، برخورداری از حمایت مردمی و کنترل اجتماعی؛
۳. منابع فکری و نظام ارزشی برای ایجاد انگیزه جهت حرکت برای تحقق اهداف؛
۴. تعهد ملی برای پیگیری اهداف ملی.

در میان موارد فوق، منابع فکری و نظام ارزشی و به عبارتی؛ منابع ذهنی و ایدئولوژی یک جامعه و نظام سیاسی مستقر در آن از اهمیت اساسی برخوردار است. خردمندی رهبران و دولتمردان و مدیران جامعه، تلاش آنان برای ایجاد رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری برای تولید علم و فن‌آوری‌های نوین، تعریف اهداف متعالی برای ملت، برقراری رابطه سالم با مردم، مشارکت سیاسی مردم، تعهد ملی و انگیزه‌های قومی برای پیگیری اهداف، ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی، مقاومت و ایستادگی در برابر فشارهای خارجی، خستگی ناپذیری و داشتن روحیه قوی، تن به ذلت ندادن و تلاش برای حفظ عزت ملی و... همگی ریشه در منابع فکری و نظام ارزشی و ایدئولوژی حاکم بر یک جامعه دارد. همین ویژگی‌ها و عناصر است که تولید قدرت ملی کرده و منافع ملی را تأمین می‌کند. بنابراین، در میان تمامی عوامل و عناصر تولید کننده قدرت ملی، عملکرد ملی که سنجش آن نیز کار آسانی نیست، از اهمیت بیشتری برخوردار است. عملکرد ملی نیز ریشه در منابع ذهنی، فکری و ایدئولوژی جامعه دارد.

### نقش معنویت در تولید قدرت ملی

با توجه به تعریف ارائه شده برای معنویت و ویژگی‌های یک انسان معنوی و همچنین تعریف قدرت، قدرت ملی و عناصر و عوامل تولید قدرت ملی، اکنون باید به این سؤال پاسخ داد که معنویت در تولید قدرت ملی چه نقشی ایفا می‌کند؟ انسانهای معنوی و با ایمان، یک جامعه معنوی را شکل می‌دهند. جامعه‌ای که مردم آن مؤمن و دین‌مدار باشند

و احکام اسلامی و ارزشهای دینی مبنای حرکت آن باشد، به طور قطع جامعه‌ای خواهد بود که در آن حکومت اسلامی و نظام سیاسی مبتنی بر دین حاکم است. بنابراین، تولید قدرت ملی در یک کشور اسلامی با نظام دینی از جهات مختلف با تولید این قدرت در یک کشور غیر اسلامی و غیر معنوی متفاوت است. این تفاوت عمدتاً به کارکردهای متفاوت در قلمرو «عملکرد ملی» در یک جامعه معنوی و ایمانی با یک جامعه غیر معنوی و غیردینی بر می‌گردد. سهم عملکرد ملی در تولید قدرت ملی نسبت به قلمروهای دیگر، براساس شکل ذیل، سهم بسیار بیشتر می‌باشد.



نمودار شماره ۴: هرم سهم عملکردهای تولید قدرت ملی

اگر بر اساس نظریه‌های نوین سنجش قدرت ملی، پذیرفته شود که عامل اصلی تولید قدرت ملی، عملکرد ملی می‌باشد و اینکه عملکردهای ملی در کشورهای گوناگون است که آنها را قوی تر یا ضعیف تر از حیث قدرتمند بودن می‌نماید، به خوبی می‌توان دریافت که معنویت در تولید قدرت ملی نقش اصلی و اساسی دارد و یک کشور برخوردار از منابع به طور نسبی، در صورت حاکم بودن معنویت در تمامی ابعاد بر آن، از قدرت حقیقی و شکست ناپذیر برخوردار می‌شود. با توجه به تأثیر معنویت بر عملکرد ملی، می‌توان مدل ذیل را برای بررسی نقش معنویت در تولید قدرت ملی پیشنهاد داد.



نمودار شماره ۵: رابطه معنویت با مؤلفه‌های قدرت ملی

مدل فوق نشان می‌دهد که معنویت بر عملکرد ملی در تولید انواع قدرت که تولید کننده قدرت ملی هستند، تأثیرگذار است. قدرت سیاسی، قدرت فرهنگی، قدرت اقتصادی، قدرت علمی، قدرت نظامی و قدرت فن آوری اطلاعات، مؤلفه‌های اصلی در تولید قدرت ملی به شمار می‌آیند.

### تأثیر معنویت بر عملکرد ملی برای تولید قدرت

معنویت بر دو پایه اصلی معرفت و ایمان استوار است. یک فرد یا جامعه معنوی، در واقع؛ یک فرد یا جامعه ایمانی است. ایمان از سه عنصر مفهومی - عملیاتی ذیل تشکیل می‌شود: الف) اعتقاد داشتن به وجود منبعی با قدرت ماورایی یا کانون قدرت مطلق و برتر، یعنی خداوند؛

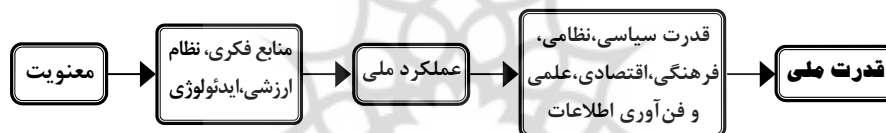
ب) یقین به توانمندی و تأثیرگذاری آن کانون بر همه امور؛

ج) التزام به احکام و فرامین آن قدرت مطلق و برتر در عمل.

در واقع؛ ایمان با سه چیز تحقق می‌یابد: باور قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضای بدن. در این تعریف، ایمان مقوله‌ای سلسله مراتبی خواهد بود که موضوع اصلی آن، همان

قدرت برتر و مطلق؛ یعنی خداوند است. بر اساس ایمان، نوعی رابطه بین انسان، فرد یا جامعه با خداوند، یا بین «ما» و «خداوند» برقرار می‌شود. که تمامی عرصه‌های حیات انسان، فرد و اجتماع را اعم از مسائل تئوریک و عملیاتی، تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بنابراین، «عملکرد ملی» در یک جامعه معنوی، تحت تأثیر رابطه بین «جامعه و خداوند» شکل می‌گیرد. همان طور که پیش از این گفته شد، منابع فکری، نظام ارزشی یا منابع ذهنی یا ایدئولوژی حاکم در یک کشور، نقش اساسی در عملکرد ملی دارد و در یک جامعه معنوی و ایمانی، منابع فکری و نظام ارزشی بر اساس ایمان و معنویت شکل می‌گیرد.

فرایند تأثیرگذاری و نقش معنویت در تولید قدرت ملی به صورت زیر است:



نمودار شماره ۶: فرآیند تأثیرگذاری معنویت در قدرت ملی

بر اساس فرایند فوق، می‌توان «نظریه اسلامی قدرت ملی» را متفاوت از نظریه‌های موجود در غرب، برای قدرت ملی و چگونگی تولید و سنجش آن مطرح کرد. در یک کشور اسلامی و برخوردار از نظام دینی که در آن ایمان و معنویت حاکم باشد، عملکرد ملی در حوزه‌های مختلف کاملاً متفاوت از دیگر نظامها و جوامع خواهد بود. در واقع؛ بین «نظام باورها» و «نظام عملکردها» پیوستگی عمیقی وجود دارد. در جامعه معنوی، جهت‌گیری‌های اساسی و کلان را این اسلام مشخص می‌کند. در نظام فکری نشئت گرفته از ایمان دینی، حفظ خود اسلام، قرآن و ارزشهای دینی و الهی در اولویت اول قرار دارد و مؤمنان باید با بذل مال و جان خود در این مسیر تلاش کنند. بنابراین، «عملکرد ملی» در یک «کشور معنوی»، تلاش عمومی با هدایت نظام سیاسی دینی به سوی خدایی شدن خواهد بود. این عملکرد ملی تحت تأثیر همان ایمان یا معنویت است

که خداوند در قرآن کریم به طرق گوناگون ضرورت چنین جهت گیری و عملکردهای فردی و جمعی را برای مؤمنان واقعی بیان فرموده است. آیات ذیل فقط نمونه‌هایی معدود در این راستا می‌باشند.

- «و لقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدالله و اجتنبوا الطّاغوت» (نحل، آیه ۳۹)

- «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات، آیه ۵۶)

- «قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فرادی» (سباء، آیه ۴۶)

- «ان الدین عندالله الاسلام» (آل عمران، آیه ۱۹)

- «و من یتبع غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین» (آل عمران، آیه ۸۵)

براساس جهان‌بینی توحیدی، انسان مخلوق خداوند و دارای هدف متعالی است که با پیمودن صراط مستقیم می‌تواند به آن دست یابد. براساس این اعتقاد، انسان در قبال همه چیز مسئولیت دارد و در این دنیا رها نشده که به اختیار و اراده خود هر کاری که می‌خواهد انجام دهد. البته حق انتخاب دارد «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (الانسان، آیه ۳)، لکن این گونه نیست که هر راهی، راه خدا باشد و انسان با هر کاری به کمال برسد. کسانی که ایمان می‌آورند و ادعای پیروی و پرستش خداوند می‌کنند، باید ملتزم به لوازم آن باشند و خداوند برای محک زدن ایمان آنها، با روشهای گوناگون مؤمنان را آزمایش می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون» (عنکبوت، آیه ۲). بنابراین، ایمان و معنویت جامعه ایمانی به «فتنه» آزموده می‌شود و انسانهای چنین جامعه‌ای، آنگاه در ایمان خود ثابت قدم خواهند بود که در همه احوالات، براساس شریعت و دستورات الهی عمل کنند؛ یعنی در چنین جامعه‌ای، دین باید مبنای حرکت آنان باشد. این گونه است که در یک کشور اسلامی با نظام و حکومت دینی، «عملکرد ملی» به عنوان عامل اصلی تولید «قدرت ملی»، همواره به صورت گسترده و عمیق از ایمان و معنویت تأثیر می‌پذیرد؛ ایمانی که خداوند را کانون اصلی قدرت دانسته و مؤمنان را در مسیر لقاءالله به حرکت در می‌آورد و در این راستا، مؤمنان همواره از نصرت و یاری این کانون قدرتمند و توانا بر هر چیزی، برخوردارند.

## نقش معنویت در هریک از مؤلفه‌های قدرت ملی

برای تبیین دقیق نقش معنویت در تولید قدرت ملی، باید تأثیر و نقش ایمان و معنویت را در هریک از حوزه‌های اصلی و مؤلفه‌های قدرت ملی بررسی کرد. در ادامه، به اختصار این موضوع را براساس آیات و روایات بررسی می‌کنیم.

### ۱. معنویت و قدرت فرهنگی

قدرت فرهنگی؛ یعنی توان استفاده از عقاید، باورها، الگوهای رفتاری، هنر، سنتها و در مجموع، ارزشهای یک جامعه برای تحقق اهداف مورد نظر. باتوجه به تعریف مذکور، باید به این سؤال پاسخ داد که در یک کشور، در صورت حاکم بودن فرهنگ دینی و اسلامی و معنویت، آیا این فرهنگ تولید قدرت می‌کند یا خیر؟ برای فرهنگ، تعاریف متعددی وجود دارد، اما نکته مهم این است که از نظر اسلام، فرهنگ یک حالت مبنایی دارد؛ یعنی اساس در یک کشور، در یک جامعه، فرهنگ آن جامعه است. به عبارتی دیگر؛ عملکرد ملی که تولید کننده قدرت ملی در هر کشوری می‌باشد، ریشه در فرهنگ آن ملت دارد.

فرهنگ اسلامی که معنویت و ایمان از مشخصه‌های اصلی آن می‌باشد، بر دو پایه اساسی استوار است.

الف) کرامت ذاتی انسان: خداوند در قرآن می‌فرماید: «و لقد کرمنا بنی آدم» (اسراء، آیه ۷)؛ بدرستی که ما تمامی فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم. بر اساس این آیه، تمامی انسانها در خلقت، یکسان و دارای ارزش ذاتی و کرامت هستند.

ب) نفی ارزشهای کاذب: از نظر اسلام و فرهنگ دینی، ارزشهای قبیله‌ای، نژادی، قومی، زبانی و جنسیتی مردود است و ملاک برتری یک فرد بر دیگری نزد خداوند متعال، تقوای الهی است. خداوند می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم» (حجرات، آیه ۱۳)

با توجه به این دو رکن اساسی در فرهنگ اسلامی، می‌توان کارکرد «ایمان و

معنویت» را در مؤلفه‌های اصلی فرهنگی تولید کننده قدرت ملی بررسی کرد. بر اساس دیدگاه‌های مختلف، سه مقوله دین، وحدت ملی و هویت ملی از عناصر اصلی فرهنگی تولید کننده قدرت ملی به شمار می‌آیند.

### الف) دین

شهید مطهری (ره) دین را این گونه تعریف می‌کند: «دین یا مکتب (فلسفه زندگی)»، انتخابی آگاهانه و آرمان خیز مجهز به منطق است که بشر را وحدت می‌بخشد و آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر و باید و نباید برایش می‌گردد» (مطهری، ۱۳۵۹، ص ۴۵). بر اساس این تعریف، مهم‌ترین شاخصهای دین‌مداری یک جامعه که فرهنگ اسلامی بر آن حاکم باشد، یکتاپرستی و حاکمیت الهی خواهد بود.

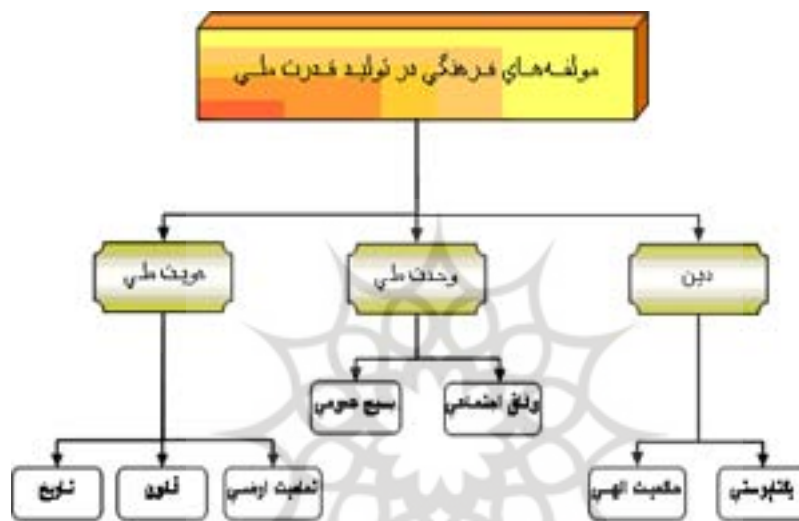
### ب) وحدت ملی

بر اساس یک تعریف، وحدت ملی عبارت است از: «چگونگی واکنش مردم در باب دفاع از منافع عمومی و مصالح کشور» (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۸۱). به عبارت ساده‌تر وحدت ملی یعنی همسویی و وفاق همه آحاد یک کشور بر آنچه مورد قبول همه است. از منظر نقش وحدت ملی در تولید قدرت ملی، دو شاخصه «وفاق اجتماعی» و «بسیج عمومی» را باید مورد توجه قرار داد. وفاق اجتماعی؛ یعنی اجماع شهروندان بر سر ارزشها و اعتقادات مشترک و بسیج عمومی؛ یعنی بسیج مردم و منابع برای دفاع و پیشبرد اهداف ملی. در کشوری که معنویت و ایمان بر آن حاکم باشد، این دو شاخص وحدت ملی برای تولید قدرت ملی در حد اعلا می‌یابد.

### ج) هویت ملی

هویت، بیانگر چه کسی بودن است که از احتیاج بشر به شناخته شدن و شناسانده شدن به چیزی یا جایی ناشی می‌شود. سرزمین، تاریخ، زبان، ادبیات، دین، ساختار سیاسی، هنر،

آداب و رسوم و سنتها، مجموعه عناصر تشکیل دهنده هویت یک ملت تحت عنوان «هویت ملی» به شمار می آیند. در جامعه و کشوری که فرهنگ اسلامی با صبغه ایمان و معنویت بر آن حاکم باشد، دین به عنوان یک عنصر اصلی، تمامی دیگر عناصر را تحت تاثیر قرار می دهد. هویت ملی، نقش مهمی را در «عملکرد ملی» برای تولید «قدرت ملی» ایفا می کند.



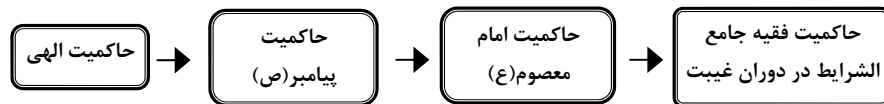
نمودار شماره ۷: مؤلفه‌های فرهنگی و تولید قدرت ملی

## ۲. معنویت و قدرت سیاسی

قدرت سیاسی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی در جامعه دینی و ایمانی، مشروعیت خود را از ناحیه خداوند؛ یعنی کانون اصلی «قدرت» در عالم هستی می گیرد. بر اساس فرهنگ اسلامی و اعتقادات دینی، حاکمیت و فرمانروایی از آن خداوند است. لذا، قدرت سیاسی مشروع در یک کشور اسلامی، قدرتی خواهد بود که در طول قدرت و حاکمیت الهی قرار دارد.

در چنین جامعه‌ای، «معنویت» در تولید «قدرت سیاسی» حرف اول را می زند. بر اساس اندیشه سیاسی شیعه، حاکمیت الهی به صورت زیر اعمال می شود.





قدرت سیاسی مشروع در جامعه اسلامی که معنویت بر آن حاکم باشد، به دلیل برخوردار بودن از پشتوانه قدرت اجتماعی، بسیار توانمند خواهد بود. در چنین کشوری بر اساس فرهنگ اسلامی حاکم، وحدت ملی بر مبنای آموزه‌های دینی و ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد و مردم بر اساس اعتقادات دینی با مشارکت بالای سیاسی، حاکمیت و دستگاه‌های حکومتی را حمایت می‌کنند. در جامعه سیاسی دینی، معنویت از یک سو تولید قدرت سیاسی می‌کند و از سوی دیگر، قدرت سیاسی را کنترل می‌نماید. کنترل قدرت از انحراف و عامل فساد گشتن آن به وسیله معنویت، خود عامل تقویت قدرت سیاسی می‌گردد. در دوران غیبت بر اساس نظریه ولایت فقیه، حاکمیت الهی از طریق ولی فقیه مورد قبول مردم اعمال می‌شود. قدرت سیاسی با محوریت ولایت فقیه، کشور اسلامی را به دلیل همسویی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی به یک کشور پر قدرت از نظر قدرت ملی تبدیل می‌کند. مهم‌ترین کارکردهای معنویت در افزایش قدرت سیاسی را در موارد ذیل می‌توان خلاصه کرد:

- الف) همسویی و هم‌هدفی قدرت سیاسی با قدرت اجتماعی برای تحقق حاکمیت الهی و اجرای شریعت و پیشبرد کشور اسلامی؛
- ب) قدرت سیاسی منافع و مصالح عمومی مسلمین را در نظر می‌گیرد و برای تحقق آن تلاش می‌کند؛
- ج) رهبران و دولتمردان خود را خادم مردم دانسته و کمک به مردم و حل مشکلات آنان را وظیفه الهی می‌دانند؛
- د) معنویت عامل اصلی در جلوگیری از فساد در قدرت سیاسی می‌گردد؛
- ه) تبعیت مردم از حاکمیت به ویژه ولایت فقیه بر اساس اعتقادات دینی، امری واجب است؛

و) حاکم اسلامی و دولتمردان در همه عرصه‌ها و به ویژه در هنگامه خطر در صف مقدم هستند؛

ز) براساس اصل پیوند دین و سیاست، مشارکت سیاسی یک وظیفه دینی تلقی شده و مردم در تمامی صحنه‌ها حضور می‌یابند و از حاکمیت دینی حمایت می‌کنند.

### ۳. معنویت و قدرت اقتصادی

قدرت اقتصادی؛ یعنی توانایی تولید محصولات مورد نیاز و مصرف مناسب ثروتهای مادی در محیط ملی و امکان حضور در رقابت در صحنه بین‌المللی. کشوری از نظر اقتصادی پیشرفت می‌کند که از یک طرف از ثروتهای خدادادی و منابع طبیعی و ذخایر انرژی برخوردار باشد و از طرف دیگر، دارای «عملکرد ملی» مثبت در بهره‌برداری از این منابع و ذخایر باشد. چه بسا کشورهایی که از ثروتهای خدادادی بسیار زیادی برخوردارند، ولی به دلیل عدم کار و تلاش و ضعف در عملکرد ملی، در زمره کشورهای عقب افتاده به حساب می‌آیند. سؤال این است که در کشوری که معنویت در آن روزافزون باشد و بر ایمان مردم روز به روز افزوده شود، این معنویت چه نقشی را در تولید قدرت اقتصادی ایفا می‌کند؟ آیا معنویت باعث رشد و توسعه اقتصادی می‌شود یا خیر؟

در اسلام، حب دنیا و ثروت اندوزی و اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی و اسراف مذموم است، اما این مذموم بودن به معنی نفی کار و تلاش و ایجاد عمران و آبادانی و رشد و توسعه نیست. دنیای مذموم، دنیایی است که انسان را وابسته به خود کرده و از خدا غافل می‌سازد. در اسلام اگر ثروت اندوزی نکوهش شده، فقر، تنبلی، سستی و کاهلی هم نکوهش شده است، تا جایی که پیامبر(ص) می‌فرماید: «کادالفرقان یكون کفرا» یعنی فقر هم مرز با کفر است. اسلام با چنین فقری به طور جدی و مستمر به مبارزه برخاسته، به دنبال ریشه کنی آن می‌باشد.

بی‌نیازی کمک خوبی برای تقوای الهی می‌باشد. از نظر اسلام، انسان مؤمن دارای عزت نفس و آبروست و باید با کسب مال حلال آبروداری کند. با همین نگرش، امت

اسلام و کشور اسلامی نیز باید بی نیاز از دیگران باشند. این بی نیازی، فقط با کار و تلاش و مجاهدت حاصل می‌شود. اسلام، کار و تلاش را ارزش دانسته و آن را منشأ مالکیت می‌داند: «لیس للانسان الا ماسعی» (النجم، آیه ۳۹). در اسلام، حد و مرز کار و تلاش و کسب ثروت حلال، رفع نیاز روزمره نیست. انسان باید کار کند و با درآمد حلال امرار معاش کرده، به حج برود، خمس و زکات بپردازد و با انفاق و قرض الحسنه نیاز دیگر مسلمانان نیازمند را برآورده سازد. بر این اساس چنانچه در کشوری ایمان و معنویت حاکم شود، «عملکرد ملی» در آن کشور در راستای رشد و توسعه و پیشرفت اقتصادی و در نهایت تولید «قدرت اقتصادی» تجلی پیدا می‌کند.

#### ۴. معنویت و قدرت علمی

یک جامعه ایمانی و معنوی در معنای صحیح خود، به طور قطع یک جامعه علمی خواهد بود. «قدرت علمی»، حرف اول را در تولید «قدرت» در تمامی ابعاد آن می‌زند. علم، نقش مبنایی برای پیشرفت هر جامعه‌ای دارد.

آیات فراوانی در قرآن کریم آمده که به علم و عالم ارزش داده و جهل و نادانی را نکوهش کرده است. خداوند در قرآن به قلم و آنچه می‌نویسد سوگند یاد کرده و به انسان اسماء الهی را یاد داده است؛ اولین آیه‌ای که بر پیامبر (ص) نازل شد، امر به خواندن بود. نزد خداوند تبارک و تعالی، کسانی که می‌دانند، مقام و رتبه‌ای متفاوت از کسانی که نمی‌دانند دارند: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر، آیه ۹) روایات بسیاری به مقام علم و عالم اشاره داشته و طلب علم را برای مسلمانان امری واجب می‌داند؛ روایاتی چون: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء»، «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» یا «اطلب العلم و لو بالسین». در اسلام، حرص و ولع در جمع آوری پول و ثروت نکوهش شده، اما حرص و ولع یک مؤمن در طلب علم و کسب دانش امری پسندیده تلقی شده است. چنین طرز تفکری نسبت به علم و دانش در جامعه اسلامی و معنوی، «عملکرد ملی» را در تولید «قدرت علمی» به دنبال خواهد داشت.

### ۵. معنویت و قدرت فن آوری اطلاعات

اگر جامعه ایمانی و معنوی را یک جامعه علمی بدانیم، علم در تمامی ابعاد مختلف آن برای بشر و تقویت جامعه اسلامی پیشرفت خواهد کرد. بدیهی است قدرت فن آوری اطلاعات که امروز بخشی از قدرت ملی هر کشوری را در عصر فراصنعتی تشکیل می‌دهد، در صورت رشد علمی در یک کشور اسلامی، از رشد چشمگیری برخوردار خواهد شد.

### ۶. معنویت و قدرت نظامی

قدرت نظامی را علمای علم سیاست، نماینده قدرت ملی دانسته و به آن اهمیت فراوانی می‌دهند. دلیل این اهمیت، به نقش قدرت نظامی در تأمین امنیت و برقراری صلح و آرامش برمی‌گردد. اسلام نیز به امنیت و ضرورت تأمین آن، اهمیت بسیار فراوان داده است؛ تا جایی که یکی از ثمرات ایمان برای اهل آن را تأمین امنیت می‌داند. در منطق قرآن، «ایمان» و «ایمنی»؛ یعنی امنیت داشتن، توأم‌اند. به عبارت دیگر؛ انسان مؤمن و جامعه ایمانی در پرتو ایمان خود امنیت می‌یابد و به آرامش می‌رسند. اگر بر اساس نظریات جدید در باب «امنیت» و «امنیت ملی»، «آرامش» و «اطمینان» را جوهره «امنیت واقعی» بدانیم، این نوع امنیت فقط و فقط در پرتو ایمان و معنویت حاصل می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن و هم مهتدون» (انعام، آیه ۸۲)

اگر خداوند به مؤمنان وعده امنیت داده، به آنان نیز امر کرده که باید همواره بر توان دفاعی خویش بیفزایند. به عبارت دیگر؛ از نظر اسلام، قدرت نظامی مسلمانان باید سرآمد قدرتها باشد. حد و مرز قدرت نظامی یک جامعه یا کشور اسلامی، بازدارندگی آن قدرت می‌باشد. خداوند به مسلمانان چنین دستور می‌دهد: «واعدوا لهم ما استطعتم من قوه من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم» بر اساس این دستور الهی، اگر دشمن مسلمانان و کشور اسلامی، یک قدرت جهانی باشد، باید سطح قدرت دفاعی مسلمانان، افزون بر آن قدرت جهانی باشد. این آیه تصریح دارد که در یک کشور اسلامی که ایمان و معنویت بر آن حاکم می‌شود، مسلمانان چه عملکردی را باید در تولید قدرت

نظامی و افزایش سطح آمادگی دفاعی داشته باشند. بنابراین «معنویت» نقشی اساسی در «عملکرد ملی» برای تولید «قدرت نظامی» در راستای تولید «قدرت ملی» دارد.

### نقش معنویت در جنگ

اگر کار ویژه «قدرت ملی» را تأمین «امنیت ملی» در برابر تهدیدها بدانیم، در یک کشور اسلامی برخوردار از نظام دینی و مردم پایبند به مسائل اعتقادی و شرعی، معنویت در تولید قدرت ملی از حیث تأثیرگذاری بر عملکرد در تمامی زمینه‌ها نقش اساسی ایفاء می‌کند. در واقع؛ «معنویت» دارای نقش اصلی برای تأمین «امنیت ملی» به شمار می‌آید. همچنین در زمان وقوع جنگ بین یک کشور اسلامی و دشمن آن یا بین مسلمانان و مؤمنان با جریانها و گروههای منحرف داخلی، معنویت عامل اصلی موفقیت و پیروزی خواهد بود؛ هر چند به ظاهر قدرت دشمن، برتر باشد. بنابراین، از نظر اسلام، این معنویت است که در تولید قدرت ملی و در هنگام وقوع جنگ، حرف اول را می‌زند. کارکرد معنویت در راستای پیروزی مؤمنان در جنگ را می‌توان در سه محور ذیل خلاصه کرد:

۱. تولید قدرت ملی؛

۲. تولید انگیزه جنگیدن؛

۳. برخورداری از نصرت الهی و امدادهای غیبی.

در مورد نقش ایمان و معنویت در تولید قدرت ملی توضیحات لازم داده شد. در ادامه کارکردهای دیگر معنویت را در جنگ و دفاع؛ یعنی تولید انگیزه جنگیدن و برخوردار کردن جبهه حق از نصرت الهی و امدادهای غیبی، به اختصار شرح می‌دهیم.

### نقش معنویت در تولید انگیزه برای جنگیدن

پیش‌تر آوردیم که تجربه تاریخی و مطالعه جنگهای گذشته نشان می‌دهد در بسیاری از موارد، قدرتهای برتر در جنگ مغلوب شده و طرفهای ضعیف به پیروزی رسیده‌اند. در تجزیه و تحلیل دلیل چنین نتایجی در جنگ بین دو طرف نابرابر به لحاظ توانایی‌ها، منابع و تجهیزات، اشاره شد که دانشمندان بر روی «عملکرد ملی» در جنگ بسیار تأکید دارند.

ممکن است کشوری به لحاظ منابع، توانایی‌های مادی و تجهیزات نظامی، بسیار قدرتمند و پیشرفته باشد، اما مردم، رهبران و نیروهای مسلح آن کشور انگیزه کافی برای جنگیدن و تحمل سختی‌ها برای پیشبرد اهداف را نداشته باشند. بدیهی است چنین کشوری، مغلوب طرف با انگیزه ولی به ظاهر ضعیف می‌گردد.

در یک کشور اسلامی که مردم آن به دنبال پیاده سازی حاکمیت الهی و اجرای شریعت و تحقق ارزشهای دینی و انسانی هستند، ایمان و معنویت در تولید انگیزه، تقویت روحیه، ایجاد صبر و بردباری و روحیه ایثار و فداکاری که لازمه جنگیدن با دشمن و نترسیدن از اوست، ایفای نقش می‌کند. انسان مؤمن و با تقوا، هرگز از صحنه نبرد با دشمن خود فرار نمی‌کند. انسان با ایمان و برخوردار از معنویت، هرگز صبر و استقامت و روحیه پایداری خود را در برابر دشمن از دست نمی‌دهد. انسان با ایمان در جنگ، هرگز از کشته شدن، مجروح شدن و یا اسیر شدن نمی‌هراسد. چنین روحیه‌ای در پرتو ایمان و معنویت حاصل می‌شود. ارتش اسلامی و رزمنده مسلمان و مؤمن، جنگ با دشمنان را جهاد فی سبیل الله می‌داند و به عنوان یک تکلیف و وظیفه دینی به آن نگاه می‌کند. رزمنده با ایمان در پرتو همین ایمان و معنویت، کشته شدن در راه خدا را شهادت و فوز عظیم دانسته و آرزوی آن را دارد. آیات و روایات ذیل، نمونه‌هایی از دستورات الهی و آموزه‌های دینی است که در مسلمانان و مؤمنان برای جنگیدن به عنوان لشکریان خدا و نیروهای جبهه حق علیه باطل، تولید انگیزه و تقویت روحیه می‌کند:

- «الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت» (نساء، آیه ۷۶)

- «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه و یکون الدین لله» (بقره، آیه ۱۹۳)

- «و قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الاخر و...» (توبه، آیه ۲۹)

- «و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین» (بقره، آیه ۱۹۰)

- «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین

یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها...» (نساء، آیه ۷۵)

- «ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصه من اولیائه» (نهج البلاغه، عبده، ج ۱، ص ۶۳)

### نصرت الهی و امدادهای غیبی در پرتو معنویت

خداوند قادر متعال؛ یعنی همان کانون قدرت مطلق در عالم هستی، به مؤمنان دستور جهاد با دشمنان اسلام و مسلمین را داده و وعده کرده تا آنان را در جنگ با دشمنانشان یاری کند. خدا در قرآن می‌فرماید: «اذن للذین یقاتلون بانهم ظلموا و ان الله علی نصرهم لقدیر» (حج، آیه ۳۹)

در بسیاری از آیات و روایات بر نصرت مؤمنان در جنگ با دشمنانشان تصریح شده است. خداوند به مؤمنان در هنگام جنگ با دشمنان، آرامش درونی، اعتماد به نفس و ثبات قدم بخشیده، ترس و دلهره و اضطراب را بر قلوب دشمنان اهل ایمان مستولی می‌گرداند. علاوه بر این عنایت الهی، آنگاه که مؤمنان در نبرد با دشمن قوی‌تر، مقاومت کنند و صبر پیشه سازند و با نیت‌های خالص به جهاد فی سبیل الله ادامه دهند، خداوند امدادهای غیبی را شامل حال آنان می‌گرداند. آیات و روایات زیر نمونه‌هایی است که بر نصرت الهی دلالت دارند.

- «یا ایها النبی حرض المومنین علی القتال، ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا ماتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفا من الذین کفروا بانهم قوماً لا یفقهون» (انفال، آیه ۶۵)
- «کم من فئمة قليلة غلبت فئمة كثيرة باذن الله» (بقره، آیه ۲۴۹)
- «الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (یونس، آیه ۶۳)
- «و ما رمیت اذ رمیت و لکن الله رمی» (انفال، آیه ۱۷)
- «اعلموا عبادالله ان التقوی حصن عزیز» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۵)
- «ان تنصرو الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» (محمد، آیه ۷)

نقش معنویت در تولید قدرت از منظر حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری پس از پیروزی انقلاب اسلامی و شروع توطئه‌ها و تهدیدات علیه نظام نوپای دینی و جمهوری اسلامی از یک طرف و ضرورت مقابله با این توطئه‌ها و افزایش آمادگی‌های دفاعی کشور از طرف دیگر، حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری، به صورت مستمر بر

نقش «ایمان و معنویت» در تولید «قدرت» و «قدرت ملی» تأکید کرده و آحاد جامعه به ویژه نیروهای مسلح را به تقویت «ایمان و معنویت» توصیه کرده‌اند. از نظر امام (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی، معنویت عامل اصلی پیروزی‌ها و موقعیت‌هاست و بر همین اساس، مسئولان باید عنوان عنصر معنویت را در همه عرصه‌ها در اولویت اول قرار دهند. به اختصار به مواردی از رهنمودها و بیانات این بزرگواران اشاره می‌شود.

#### الف) دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) (نقل قول از: بنی لوجی، ۱۳۷۸)

۱. قیامی که برای خداست و نهضتی که براساس معنویت و عقیده است، عقب نشینی نخواهد کرد.<sup>(۴۸)</sup>
۲. ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه‌ای هراس ندارد. هراس آن دارد که شهادت، مکتب او نیست.
۳. ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است.
۴. ای قوای مسلح که سربازان اسلام و پیشمرگان هدف و نگهبانان این کشوری، مجهز باشید هم به صلاح و هم به سلاح، و هراس و خوف به خود راه ندهید که خداوند تعالی پشتیبان و ملت بزرگ، هوادار شماست.
۵. جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است.
۶. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایران زمین مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است.
۷. قوای انتظامی - نظامی و سپاه پاسداران ما، مجهز به قوه الهی هستند، سلاح آنها الله اکبر است و هیچ سلاحی در عالم مقابل همچو سلاحی نیست و ملت ما هم همین طور است.
۸. این روحیه‌ای که عقیده ایمانی‌اش این است که من اگر کشته بشوم، یک توفیقی است برای من و من می‌روم در جوار رحمت الهی، این روحیه است که ما را پیروز کرده است.



۹. دنیا خواهد دید قدرت اسلام چیست و نیروی ایمان بر همه قوا پیروز است.
۱۰. اگر جنگ را بر ما تحمیل کنند، ما تمام ملتمان جنگجو است و با تمام قوا مقابله می کنیم ولو اینکه همه ابر قدرتها هم دنبال او باشند. برای اینکه ما شهادت را یک فوز عظیم می دانیم... ما برنده جنگ هستیم و هیچ تردیدی در این نیست.
۱۱. ایران یک موجود الهی است که هیچ چیز او را صدمه نخواهد زد.
۱۲. کسی که برای خدا عمل می کند چرا بترسد، از کی بترسد.
۱۳. ما بر حسب امر خدا از اسلام و کشور خودمان دفاع کنیم.
۱۴. من هیچ خوفی از جنگ ندارم و شما هم ندارید.
- حضرت امام خمینی (ره)، اسلام مجسم بود و با ایمان و معنویت عالی رتبه ای که داشت، به برخورداری از نصرت الهی و پیروزی بر دشمنان اطمینان داشت. همین اطمینان به نصرت الهی بود که سبب بیان کلمات قصاری از آن حضرت شد، کلماتی چون: «خون بر شمشیر پیروز است»، «ملتی که شهادت دارد اسارت ندارد.» و این جمله ماندگار در تاریخ دفاع مقدس که فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

#### ب) دیدگاههای رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) (نقل از: معنویت، ۱۳۸۶)

۱. آن جا که معنویت هست، ارتباط با خدا هست، اتصال هست، نسبت به فضل الهی باور هست، در آن جا دیگر ضعف و ترسی وجود ندارد.
۲. در مقابل آن جبهه مستحکم، تکیه بر معنویت بود که توانست همه گره ها را باز کند. وقتی به این ملت می گفتند: «دشمنان همه امکانات تسلیحاتی را فراهم آورده اند تا شما را در جنگ شکست دهند»، جواب این ملت این بود که «خدا بالاتر و قوی تر از اینهاست». ملت ایران با این اعتقاد در جنگ تحمیلی، در انقلاب بزرگ اسلامی و در طول تاریخ در همه مراحل پیش رفته است.
۳. پیام انقلاب اسلامی، پیام معنویت است. توجه به معنویت، وارد کردن عنصر معنویت در زندگی انسان و توجه به اخلاق و خداست.

۴. این نظام، متکی به قدرت معنوی و متکی به ایمان و متکی به پایه‌های مستحکم عقیده است.

۵. این پایه‌های معنوی قدرت را، این ایمان را، این همبستگی و وحدت دلها در میان عناصر سپاه در سراسر کشور را قدر بدانید. نگذارید دل‌های شما را با بازیچه و فریبه‌ها و جلوه‌های رنگارنگ دروغین به سمت خودشان جذب کنند.

۶. دین و معنویت، با تعریف قدرت در منطق مادی بسیار متفاوت است. منطق مادی قدرت، قدرت را در ابزارها و وسایل مشاهده می‌کند، در اتم، در سلاح شیمیایی، در سلاح میکروبی، در وسایل گوناگون پیشرفته مادی، اینها همه قدرت نیست. بخش عمده قدرت، در وجود انسانهایی است که می‌خواهند این قدرت را به کار بیندازند. وقتی مجموعه‌ای حقانیت دارد و برای حق و آرمانها و ارزشهای والای انسانی تلاش و مجاهدت می‌کند و آماده است برای این مجاهدت، وجود و امکانات و همه توان خود را به کار گیرد، قدرت واقعی آنجاست.

۷. وقتی قدرت با معنای الهی معنا شد، امکانات مادی را با پشتوانه معنوی، آن چنان به کار می‌گیرد که حقوق انسانها تضییع نمی‌شود، برای حق تلاش می‌کند و پیروزی نهایی متعلق به اوست. این معنای از قدرت که عنصر اصلی آن، اراده اصلی آن، اراده مردم و حکومت برای دفاع از ارزشهای والا و متعالی است، امتحان خود را در بیست و چهار سال گذشته به خوبی پس داده است. قدرتهای مادی نتوانستند در مقابل اقتدار معنوی حق در ایران، در لبنان، در فلسطین و در هر نقطه‌ای که حق وارد شد، مقاومت کنند و آن را به زانو در آورند.

سپاه پاسداران طی سه دهه گذشته، بیشترین نقش را دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آنها داشته است. دوست و دشمن به قدرت فوق العاده سپاه در مقابله با تهدیدها اعتراف دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنان و فرمایشات مختلف، معنویت را عامل اصلی قدرت سپاه دانسته و بر حفظ ایمان و معنویت در سازمان سپاه تأکید کرده‌اند.

مواردی از این رهنمودها عبارت است از:

الف) البته تقویت بنیه سپاه به آموزش و تجهیزات و سازماندهی و انضباط و همین چیزهایی است که ما همیشه سفارش می‌کنیم. اما بالاتر از همه اینها، به معنویت است. معنویت، راز و نیاز با خدا، ارتباط با خدای متعال، هدف را خدا قرار دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دل‌بستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن، اینهاست که یک مجموعه مؤمن و یک فئه مؤمنه را به وجود آورد، آن وقت است که: «کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره باذن الله». کم هم که باشید با داشتن آن جنبه معنوی، زیاده‌ها را در مقابل خود مجبور به هزیمت می‌کنید. همین معنویت بود که بسیج را در میدانهای نبرد، آن طور بی تاب و عاشق می‌کرد. به شوق جبهه، این جوانان را می‌کشاند و وقتی به جبهه می‌آمدند، از جبهه دل نمی‌کنند.»

ب) آنچه من فکر کردم امروز به شما برادران عزیز عرض بکنم، سه مطلب است. یک مطلب که مطلب اصلی است، معنویات است... در باب مطلب اول که مطلب معنوی است، باید همه برادران ارشد سپاه پاسداران توجه داشته باشند که این نهال در سرزمین ایمان و توحید و توکل و اخلاص نشانده شد و بالید. اگر بخواهیم تشبیه کنیم، باید بگوییم همان «المسجد اسس علی التقوی من اول یوم» است. اساس و بنای سپاه بر پایه احساس تکلیف، حرارت دینی، شور انقلابی، اعتماد مطلق به خدای متعال، امید به آینده روشن و تصمیم بر یک حرکت مؤمنانه و پرهیزگارانانه گذاشته شد... فتح المبین، بین المقدس و فتح خرمشهر و فاوو چه و چه، با همین‌ها به دست آمد.

ج) روحیه پاسداری، متوقف به آن جنبه معنوی است. اینکه من در ملاقات با برادران پاسدار، با مجموعه‌های انقلابی و با برادران و خواهرانی که در بخشهای مختلف مسئولیتهای حساسی دارند، بر روی رعایت جنبه معنوی تکیه می‌کنم، به خاطر همین است.

د) در این دنیایی که شما تکالب دشمنان و استعمارگران و سلطه‌گران و تصادماها را در سطح عالم می‌بینید، ملتی که می‌خواهد در میان این امواج طوفانی، تحت تأثیر قرار نگیرد، ساییده نشود و بسایاند و شکست بدهد و این امواج را بخواباند، این ملت باید پولادین و مرصوص باشد. این پولادین و مرصوص شدن، جز در سایه معنویت امکان پذیر نیست.<sup>(۴۹)</sup>

### نمونه‌های تاریخی از نقش آفرینی معنویت در تولید قدرت

در تاریخ، نبردها و جنگهای بسیار زیادی رخ داده است. در برخی از این جنگها یک طرف بر حق بوده و از حقیقت دفاع کرده و طرف مقابل بر باطل بوده و با حق جنگیده است.

هرگاه این نوع جنگها و مبارزات بررسی شود، در آنجا که اهل جبهه حق تکیه بر قدرت ایمان و معنویت کرده باشند و در راه هدف صبر و استقامت به خرج داده باشند، می‌بینیم پیروزی نصیبشان شده است. این همان نصرت الهی است که خداوند به مؤمنان وعده آن را داده است. «ان تنصروا الله ینصرکم و یتبث اقدامکم». فقط چند نمونه تاریخی را نام می‌بریم.

۱. جنگهای صدر اسلام مانند جنگ بدر، خیبر، خندق و فتح مکه.
۲. حادثه بزرگ کربلا که پیروز اصلی آن امام حسین (ع) و یاران آن حضرت بودند.
۳. انقلاب اسلامی که معجزه قرن نام گرفت.
۴. دوران هشت ساله دفاع مقدس.
۵. پیروزی‌های حزب الله در لبنان و به ویژه در جنگ ۳۳ روزه.
۶. پیروزی ملت عراق در رویارویی با اشغالگران.
۷. پیروزی ملت فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی به ویژه در حوادث غزه.
۸. پیروزی‌ها و موفقیت‌های ملت مسلمان و انقلابی ایران طی ۳۰ سال گذشته در برابر فشارهای استکبار جهانی به ویژه در موضوع هسته‌ای.

### نتیجه‌گیری

قدرت و قدرت ملی دارای مؤلفه‌های مختلف بوده و عناصر اصلی تولید قدرت متعدد می‌باشد. بحث مهم و اساسی در میان دانشمندان علوم سیاسی در خصوص قدرت، مربوط به ماهیت قدرت و عناصر اصلی تولید قدرت به ویژه قدرت ملی است. در این راستا نظریه‌های گوناگون مطرح شده و هر روز بر حجم این نظریات افزوده می‌شود. دشواری فهم قدرت و قدرت ملی از نظر ماهیت و عناصر موگلد آن برای برخی از صاحب‌نظران، به

نتایج حاصله از رویارویی قدرتهای نابرابر برمی گردد. در بسیاری از نبردها و جنگهای تاریخی، کشورهای به ظاهر قدرتمند مغلوب کشورهای به ظاهر ضعیف شده‌اند. براساس نظریات جدید سنجش قدرت ملی، عملکرد ملی نقش اساسی در تولید قدرت ملی دارد که تعیین کننده تر از نقشی منابع قدرت است. عملکرد ملی بستگی به منابع فکری و ذهنی هر جامعه دارد و تفاوت عملکردهای ملی در تولید قدرت به تفاوت در همین نگرشها و باورها برمی گردد.

دیدگاه اسلام در مورد قدرت، کاملاً متفاوت از دیدگاه دانشمندان غربی و نظریه‌های رایج در علوم سیاسی است. براساس نظریه اسلامی قدرت، خداوند قدرت مطلق و صاحب اختیار همه چیز است. براساس این نظریه، عامل اصلی تولید قدرت در جوامع بشری، معنویت است. معنویت بر دو پایه معرفت و ایمان استوار است و خداوند قادر متعال وعده داده که انسانهای مؤمن و متقی را در همه عرصه‌ها یاری کند. براساس آیه شریفه «ان تنصروا الله ینصرکم و یثبّت اقدامکم»؛ هر کس خدا را یاری کند، خداوند نیز آنان را یاری کرده و قدمهای آنان را استوار می‌سازد؛ این نصرت الهی فقط در عرصه نظامی نیست، بلکه در یک کشور اسلامی، معنویت در بخشهای مختلفی که تولید کننده قدرت ملی می‌باشند، مانند عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و نظامی، می‌تواند حضور داشته باشد. بنابراین، در جمهوری اسلامی برای تقویت قدرت ملی و افزایش آن باید به معنویت در تمامی بخشهای جامعه، به‌ویژه در نیروهای مسلح، بیش از پیش توجه کرد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. امام خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹)؛ *صحیفه امام*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
۴. بی نا (۱۳۵۸)؛ *قاموس قرآن*، قم.
۵. بی نا (۱۳۶۰)؛ *وسایل الشیعه*، قم.
۶. بی نا (۱۳۸۶)؛ *معنویت*، تهران، اداره تبلیغات نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۷. جهانتاب، محمد (۱۳۸۵)؛ *بررسی مؤلفه‌های فرهنگی اقتدار ملی و نقش نیروهای مسلح در آن*، فصلنامه دانش انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی، ش ۴.
۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲)؛ *سخنرانی در جمع کارگزاران نظام*، دوم مهرماه.
۹. روشندل، جلیل (۱۳۷۴)؛ *امنیت ملی در نظام بین‌المللی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۳)؛ *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران، نشر قومس.
۱۱. مجلسی، محمد باقر (۱۳۵۹)؛ *بحار الانوار*، قم.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۵۹)؛ *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران، صدرا.
۱۳. نبی لوحی، سید علی (۱۳۷۸)؛ *مبانی دفاع از دیدگاه امام خمینی در دفاع مقدس*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۴. نلیس، اشلی (۱۳۸۳)؛ *سنجش قدرت در عصر فراصنعتی*، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.